

نقش مفهوم ارتباط معنایی با محیط بر ایجاد احساس کرامت انسانی از نظر مخاطبان فضای همگانی شهری*

مریم سبک خیز** - اسماعیل شیعه^۲ - حمیدرضا خانکه^۳ - شریف مطوف^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۳. استاد گروه حوادث و بلایا، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه بازسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۶ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۰۲ تاریخ انتشار: ۰۰/۰۶/۳۱

چکیده

کرامت انسانی مفهومی است کیفی که می‌تواند اثر به‌سزایی در کیفیت فضای همگانی شهری داشته باشد. در این مفهوم ارزشمند بودن انسان و مقام آن به‌عنوان موجودی متفکر مطرح می‌شود. معنای محیطی و ارتباط با آن در محیط از جمله مفاهیمی است که در فضای همگانی شهری اهمیت فراوانی دارد. عوامل مؤثر بر کسب احساس کرامت انسانی در اثر ارتباط معنایی با محیط، مطالعه‌ای است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. کشف احساس کرامت انسانی در فضایی که مورد استفاده عموم شهروندان است مورد اهمیت است. ماهیت ذهنی و تعاملی این پدیده و تجربه و ادراک حاصل از آن در کنشگران، هدف این پژوهش بوده و شناخت ادراک آن‌ها و چگونگی ایجاد احساس کرامت انسانی می‌باشد. این پژوهش در دسته پارادایم تفسیرگرایی است و از جنبه شناخت‌شناسی تأکید بر کنش و تعامل پژوهشگر با مورد پژوهش را دارد. در این پژوهش از تحلیل محتوای کیفی استقرایی آشکار به‌عنوان شیوه پژوهش و به منظور تفسیر داده‌های متنی به‌دست آمده از ۱۳ مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار استفاده شده‌است. داده‌ها از طریق فرآیند نظام‌مند کدگذاری و با هدف طبقه‌بندی مفاهیم تا سه سطح از انتزاع مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان، هدفمند و در راستای توسعه مفاهیم تا دست‌یابی به اشباع بوده‌است. یافته‌های بیانگر آن است که یکی از مفاهیم حوزه ادراک مردم از کرامت انسانی، مفهوم ارتباط معنایی با محیط است. مفهومی که با گرم بودن حس جداره‌ها، جاذبه بافت سنتی، غنای حسی، احساس تعلق و تمرکز ذهنی و درونی، معنی دقیق‌تری پیدا می‌کند. آنچه مورد توجه است ارتباط این عوامل با هم و پیچیدگی روابط بین آن‌ها می‌باشد که منجر به ایجاد احساس کرامت انسانی در افراد شده است. از نتایج مهم حاصل، کشف رابطه ارتباط معنایی با محیط در ایجاد احساس کرامت انسانی است.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، فضای همگانی شهری، ارتباط معنایی با محیط، کشف پدیده ذهنی، مطالعه کیفی.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «توسعه نظریه حضورپذیری متعامل در شکل‌گیری احساس کرامت انسانی در فضای همگانی محله شهری» با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

** E_mail: m.sabokkhiz@staf.ui.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابعاد کیفیت فضای همگانی شهری، شناخت محیطی است که تجربه مخاطبین در آن به طور دائمی شکل می‌گیرد. محیطی متناسب که بتواند احساس کرامت انسانی را به مخاطبین خود منتقل کند. کرامت انسانی مفهومی است پایه که به اصل و ذات انسان بر می‌گردد. این مفهوم، سخن از شأن و منزلت انسانی می‌زند و در آن به مقام والای انسانی توجه دارد و احترام به این مقام را اصل معنای خود می‌داند. پس انسان از آن رو که انسان است از حرمت برخوردار است و محیطی که موجب فراهم آمدن این احساس می‌شود، مورد اهمیت خواهد بود. کشف این مهم، که چه شرایط و عواملی می‌تواند در ایجاد احساس کرامت در انسان مؤثر باشد، می‌تواند در کیفیت فضاهای همگانی شهری بسیار تأثیرگذار باشد. در این پژوهش ارتباط معنایی با محیط به‌عنوان یکی از مفاهیم مؤثر بر کرامت انسانی بررسی شده است. این مفهوم در فضایی مورد اهمیت است که به عموم شهروندان تعلق داشته و دسترسی به این فضا به سهولت امکان‌پذیر است. فضایی که می‌تواند فرصت تعاملات اجتماعی را افزایش داده و موجب بهبود کیفیت زندگی فرد و جامعه شود. بنابراین در این مقاله تلاش شده است با تکیه بر تفسیر داده‌های متنی مصاحبه‌های عمیق و نیز مشاهدات میدانی و با تأکید بر کنش و تعامل با مورد پژوهش و حداقل جدایی عینی با مشارکت‌کنندگان پژوهش، تصویری از ادراک مردم نسبت به مفهوم کرامت انسانی ترسیم شود.

۲. مبانی نظری

کرامت انسانی مفهومی کیفی است که در فضاهای شهری اهمیت به‌سزایی دارد و در ادبیات مفاهیم فضاهای همگانی شهری مورد توجه قرار نگرفته است. این مفهوم از مفاهیم پایه‌ای است که به اصل و ذات انسان بر می‌گردد و در آن سخن از شأن و منزلت انسانی می‌زند (افتخاری و اسدی، ۱۳۹۲) و در آن به مقام والای انسانی توجه دارد و احترام به این مقام را اصل معنای خود می‌داند. پس انسان از آن رو که انسان است از حرمت برخوردار است (عمید زنجانی، ۱۳۸۶) و محیطی که موجب فراهم آمدن این احساس می‌شود، مورد اهمیت خواهد بود. کشف این مهم، که چه شرایط و عواملی می‌تواند در ایجاد احساس کرامت در انسان مؤثر باشد، می‌تواند در کیفیت فضاهای همگانی شهری بسیار تأثیرگذار باشد. در این پژوهش ارتباط معنایی با محیط به‌عنوان یکی از مفاهیم مؤثر بر کرامت انسانی بررسی شده است. مفهوم ارتباط معنایی با محیط و در واقع معنایی است که محیط به مخاطب منتقل می‌کند در مطالعات بسیاری مورد توجه بوده است. رلف در کتاب مکان و بی‌مکانی، با نگاهی پدیدارشناسانه در پی چگونگی و چرایی ارتباط معنایی مکان برای مردم است (Relph، 1976). وی مکان را در سه وجه شامل: کالبد، فعالیت

و معنا تعریف می‌کند. رلف معتقد است که از میان این سه وجه، معنا نسبت به دو وجه دیگر از اهمیتی بیش‌تر برخوردار است و دشوارتر از بقیه به دست می‌آید (Tuan، 1977) در همان دوران، کانتر (۱۹۷۷) مدلی سه بخشی از مکان را ارائه داد که در آن مکان برگرفته از سه بخش فعالیت‌ها، تصورات و فرم بود. وی اعتقاد داشت که تأثیر جنبه‌های فیزیکی و فرمی در دیدگاه‌های روانشناسی و رفتارشناسی از اهمیتی بیش‌تر برخوردار است. با این حال کانتر بر این اعتقاد بود که ادراک فضا برای افراد مختلف متفاوت است و لذا جنبه‌های فردی ادراک فضا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (Canter، 1977).

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، ارتباط معنایی با مکان را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده‌گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آن‌ها تعریف می‌شود. الگوهای ذهنی در تعریف لینچ در برگرفته تمام مفاهیم و ارزش‌هایی است که شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و غیره استفاده‌کنندگان از فضا است. وی معنای مکان را معادل مفهوم هویت تعریف می‌کند و معتقد است که «هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید، به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر و حداقل مخصوص به خود را دارا باشد» (لینچ، ۱۳۹۰، ۱۶۸). آموس راپاپورت نقش فرهنگ حاکم بر یک جامعه در شکل‌گیری معنای محیط را بسیار با اهمیت می‌داند. به اعتقاد وی «مردم به یاری فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نهادی مشترک، به محیط خود معنی می‌دهند» (Rapaport، 1982). مانزو (۲۰۰۶)، درباره چگونگی ارتباط معنایی با محیط، علاوه بر احساسات فردی، تأکید بیش‌تری بر احساسات جمعی مبتنی بر اجتماع، سیاست و اقتصاد در رابطه بین فرد و محیط و متعاقباً شکل‌گیری معنای محیطی برای وی داشته و با این استناد، نحوه ادراک افراد از محیط را بر حسب جنس، نژاد، فرهنگ، ملیت و غیره و در نهایت چگونگی رفتار گروهی در قبال محیط، دسته‌بندی و تفکیک می‌کند (Manzo، 2006).

در بررسی ابعاد و ماهیت ارتباط معنایی با محیط با نگرش هستی‌شناسی، توجه به نیازهای انسانی ضرورت تأکید می‌یابد و مدل‌های مختلفی برای تبیین آن ارائه شده که از این میان مدل هرم نیازهای انسانی مانزو (۱۹۵۴)، در توسعه مبانی نظری طراحی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. مانزو ضمن تأکید بر انگیزه‌ها و نیازهای انسانی، آن‌ها را از بدو تولد همراه انسان دانسته و اعتقاد دارد که وی در تعامل با محیط و با تغییر قابلیت‌های آن به دنبال ارضای نیازهای خود در سطوح مختلف است (رضایی، ۱۳۹۷). در نگرش روانشناسی محیطی نیز، انواع رویکردهای معنایی ارتباط انسان با محیط، در چند دسته شناختی (اشاره

آن می‌باشند تعریف می‌کند. ماهیتی که بر اساس نوعی آگاهی و ادراک قرار دارد و مکان‌ها را مرکزی پر محتوا و عمیق از هستی و وجود بشری معرفی می‌کند و معنای یک محیط را کاملاً با نحوه تأثیرگذاری آن بر افراد وابسته می‌داند. آنچه که در اغلب مطالعات مورد توجه نبوده است نگاهی است که توجه خود را معطوف به مفهوم ارتباط معنایی با محیط در ایجاد احساس کرامت در افراد داشته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

بر اساس تعریفی که در بخش مقدمه آورده شد، کرامت انسانی به‌عنوان پدیده‌ای که این مقاله به دنبال مطالعه آن است، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که علاوه بر جنبه‌های عینی، تا حد زیادی وابسته به ذهن کنشگران این مقاله است. مفاهیم مختلفی می‌تواند از ذهن کنشگران استخراج گردد که زمینه‌ساز ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری شود. با توجه به این که سؤال پژوهش حاضر در پی یافتن چگونگی ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی است، ماهیت پدیده مورد مطالعه و دیدگاه هستی‌شناسانه این مقاله، واقعیت‌های ذهنی و چندگانه و همان چیزهایی هستند که توسط افراد مختلف درک می‌شوند. این مقاله در دسته پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد چرا که بر خلاف جهت‌گیری ابزاری اثبات‌گرایی، جهت‌گیری عملی آن معطوف بر درک تجربه کنشگران در فضای همگانی شهری و معنای تجربه آن‌ها در این زمینه می‌باشد. رویکرد این مطالعه کیفی است چرا که بر روی زمینه و فرآیند تأکید می‌کند. زمینه به مفهوم شرایطی که موجب بروز مشکل می‌شود یا شرایطی که مردم با اقدام‌ها و کنش‌های متقابل و احساسات خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند می‌باشد و منظور از فرآیند پاسخ‌های در جریان به مسائل و شرایطی است که از زمینه منتج می‌شود (Corbin & Strauss, 2008).

در این مقاله از تحلیل محتوای کیفی استقرایی آشکار به‌عنوان شیوه پژوهش استفاده می‌شود. در این روش به منظور تفسیر داده‌های متنی به‌دست آمده از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی از یک فرآیند نظام‌مند کدگذاری و تعیین مفاهیم استفاده می‌شود (Drisko, 2016). این فرآیند تا سه سطح انتزاع (طبقات مفهومی) تحلیل می‌شوند. در مرحله گردآوری داده‌ها، ۱۳ مصاحبه عمیق بدون ساختار صورت گرفته است. منظور از مصاحبه عمیق بدون ساختار، مصاحبه‌ای است که سؤال‌های آن از قبل طراحی نشده‌اند ولی مرتبط با هدف و یا سؤال کلی پژوهش هستند. در این روش هیچ مقوله از پیش تعیین شده‌ای برای طبقه‌بندی پاسخ‌ها وجود ندارد. اغلب مصاحبه‌ها با مجموعه‌ای از سؤالات مورد نیاز آن مصاحبه جهت داده می‌شوند. در این روش مصاحبه‌شونده در آن آزاد است درباره هر آنچه به نظرش با اهمیت می‌نماید

به مکان‌های آشنا)، اجتماعی (مکان‌های تقویت‌کننده تعاملات اجتماعی) و احساسی (مکان‌هایی با قابلیت تعلق‌پذیری احساسی-عاطفی) قابل بررسی است (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰).

روانشناسان محیط بیش از چند دهه است که رابطه هیجانی انسان و مکان را مطالعه می‌کنند. برخی از اندیشمندان این حوزه بر این باورند که معنا به مکان نسبت داده می‌شود و آن معنا بر اثر رابطه هیجانی میان مردم و مکان‌ها شکل می‌گیرد. گروهی این رابطه را بر مبنای زندگی روزمره انسان می‌دانند و معتقدند که این نگرش زیربنای پدیدارشناسی مکان است. بنا به اعتقاد توان (۱۹۷۷) یک مکان جغرافیایی می‌تواند یک شخصیت و روح داشته باشد که به ویژگی‌های طبیعی آن برمی‌گردد. مفهوم مکان نه با نگاه پوزیتیویستی بلکه با نگاه انسان مدارانه است که معنا می‌یابد. چرا که انتزاع و کاهش این مفهوم به یک معنای سمبلیک که برای برخی معماران امروز مهم است، مانع از پرداختن به مفهوم یا مفاهیمی است که مردم در زندگی آن را تجربه می‌کنند. تجربه‌ای که صرفاً بصری نیست و با تمام حواس ما را با مکان مرتبط می‌کند (Tuan, 1977). بنا به اعتقاد لوو و آلتمن (۱۹۹۲) مکان فضایی است که در یک فرآیند فرهنگی، فردی و گروهی معنا دار می‌شود (Altman & Low, 1992) در واقع افراد بر اساس تجارب، ارتباطات اجتماعی، احساسات و افکار خود در بستر کالبدی فضا به آن مفهوم می‌بخشند (Stedman, 2003).

آنچه از بررسی مطالعات پیشین بر می‌آید این است که عواملی که موجب تقویت و ضعف ارتباط معنایی با محیط می‌شوند چه می‌باشد. این در حالی است که این پژوهش علاوه بر تأیید عواملی که یافته شده است، به دنبال یک رابطه مفهومی دیگری در بستر فضای همگانی شهری است. لذا مسئله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری از نظر مخاطبین آن است، که در نتایج حاصل از این پژوهش به صورت ارتباط معنایی با محیط و اثر آن در ایجاد احساس کرامت انسانی استخراج شده است. تأثیر مستقیم وجود زیرساخت‌ها و زمینه‌های ارتباط معنایی با محیط در ایجاد احساس کرامت انسانی از نتایج مهم و اصلی حاصل از این پژوهش می‌باشد که از نقطه‌نظر مخاطبین فضای همگانی شهری استخراج شده است. در واقع حصول مفهوم کرامت انسانی در نتیجه وجود مفهوم ارتباط معنایی با محیط از نتایج این پژوهش می‌باشد می‌تواند تأثیر به‌سزایی در فضاهای همگانی شهری داشته باشد.

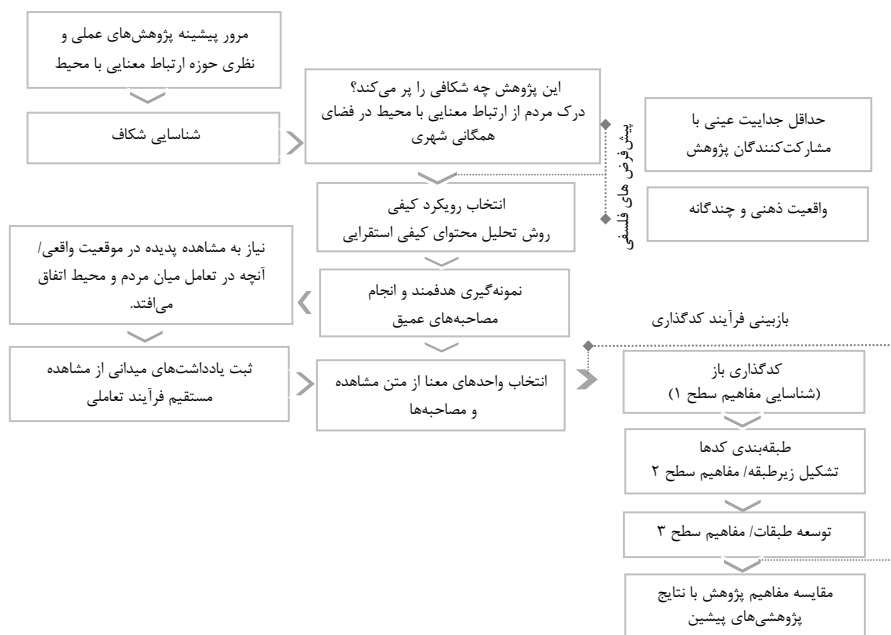
یافته‌های این مقاله بیانگر مفهوم ارتباط معنایی با محیط است. در مطالعات پیشین این مفهوم غالباً به بررسی ارتباط معنایی با مکان با نگاه پدیدارشناسانه پرداخته شده است که مکان را چیزی بیش از یک محل انتزاعی و مجموعه‌ای از کاراکترهای محیطی که تعیین‌کننده ماهیت

مرحله از انتخاب مشارکت‌کنندگان از راهبرد گلوله برفی یا زنجیره‌ای نیز استفاده شده‌است. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس نیاز داده‌ها و به منظور توسعه مفاهیم و تا زمان رسیدن به اشباع ادامه یافته است. مفهوم مورد بررسی در فرآیند مصاحبه‌ها در این مقاله یک فرآیند تعاملی می‌باشد، به این معنا که برخی از مفاهیم مورد نظر تنها در حوزه کرامت انسانی شکل می‌گیرند و تنها از طریق بررسی ذهنیت و ادراک مشارکت‌کنندگان پژوهش قابل دستیابی نیستند، بلکه تهیه یادداشت‌های میدانی از مشاهده مستقیم در فضای همگانی نیز به شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات اضافه شد. پژوهش‌گر در یک بازه زمانی دو ساله به‌عنوان مشاهده‌کننده در فضای همگانی محله شهری، حاضر و به ثبت گفته‌ها، رفتارها، فعالیت‌ها در قالب یادداشت‌های توصیفی و بازاندیشانه و شخصی پرداخته است. تلفیق این شیوه با مصاحبه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند منجر به دستیابی به معنای عینی‌تر و دقیق‌تر از تجربه افراد از حضور در فضای همگانی، از طریق مشاهده رفتار و گفتار آن‌ها (Schwandt, 2007) در واقعیت شود. یافته‌های حاصل از مشاهدات نیز همانند مصاحبه‌ها کدگذاری و وارد مرحله تحلیل شده‌اند. در این مقاله در بخش مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار اطلس ۷ استفاده شده است.

صحبت کند و معمولاً دخالت و نفوذ اندکی از سوی محقق در جریان مصاحبه اعمال می‌شود. این نوع مصاحبه‌ها برای جستجوی تفاسیر و معانی وقایع و موقعیت‌ها از دیدگاه مردم به کار برده می‌شود.

انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مقاله به صورت هدفمند از بین چهار دسته افراد، شامل نخست، مردم ساکن در محله که بیش‌ترین و نزدیک‌ترین تماس را فضای همگانی مرکز محله دارند. دوم، حاضرین و مردمی که در محله ساکن نیستند؛ ولی برای گذران زمان و یا هر دلیل دیگری در فضای همگانی قرار می‌گیرند. سوم، شاغلین و کسبه محله که به‌واسطه شغلشان ارتباط تنگاتنگی با مراجعین به محله دارند و زمان تعامل‌پذیر زیادی را در آن سپری می‌کنند. چهارم، برنامه‌ریزان محیطی که نقش مهمی در ساخت و ایجاد فضایی را دارند که بتواند نیازهای فضای همگانی را پاسخ دهد. تعاملات این کنشگران با هم و اثری که بر نوع عملکرد فضای همگانی محله می‌گذارد می‌تواند تعیین‌کننده چگونگی رسیدن به هدف این مقاله است. در ابتدا با توجه به پرسش پژوهش، مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری باز، از بین افرادی که حضور در فضای همگانی شهری را تجربه کرده‌اند و با هدف دستیابی به ایجاد حداکثر تنوع از نظر تجربه، انتخاب شده‌اند. در این

شکل ۱: فرآیند پژوهش



زمینه‌ساز کشف چگونگی ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری با توجه به مختصات کنونی ما باشد. تحلیل این فرآیند و داده‌های پژوهش با عنوان یافتن مفاهیمی که در ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری برای شهروندان را محقق می‌سازد، بیانگر مفهوم اصلی ارتباط معنایی با محیط است. این مفهوم توانسته است به مخاطبین فضای همگانی شهری این

۴. تحلیل و یافته‌های پژوهش

فرآیندی که احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری در قالب آن اتفاق می‌افتد، کشف کنش‌ها و واکنش‌هایی است که در زمینه این فرآیند روی می‌دهد. شناخت این فرآیندهای پیچیده و بعضاً ناآشکاری که در عرصه فضای همگانی شهری در جریان است و نیز مفهومی‌هایی که در این فرآیند به‌وجود می‌آیند، می‌تواند

حاصل از تجربه حسی مشارکت‌کنندگان این پژوهش در فضای همگانی محله شهری بوده است. در نهایت نیز، کلیه مفاهیم سطح ۲، زیر مجموعه مفهومی جدیدی، تحت عنوان مفهوم سطح ۳ قرار گرفتند که می‌توانست تمامی مفاهیم را پوشش معنایی دهد. به منظور درک دقیق‌تر نتایج این پژوهش، این مفهوم به طور مبسوط در جدول ۱ ارائه و مفاهیم مرتبط با آن را معرفی می‌شود. در ادامه نیز تعریف هر یک از این مفاهیم و مصادیق آن‌ها (جملات اشاره شده در مصاحبه‌ها) ارائه می‌شود.

احساس را القاء کند که مورد کرامت واقع شده‌اند. چگونگی ایجاد این مفاهیم به این صورت است که مفاهیم سطح ۱ به‌طور مستقیم از مصاحبه‌ها استخراج و سپس با توجه به شباهت و نزدیکی مفهومی دسته‌بندی شدند. هر یک از دسته‌ها به‌عنوان مفاهیم سطح دو، معنی متناسب دریافت کردند تا بتواند همه زیر مفاهیم خود (مفاهیم سطح ۱) را پوشش بدهند. این مفاهیم به ترتیب این‌گونه حاصل شدند: گرم بودن حس جداره‌ها، جاذبه بافت سنتی، غنای حسی، تمرکز ذهنی و درونی و احساس تعلق. کلیه این مفاهیم،

جدول ۱: عوامل مرتبط با مفهوم ارتباط معنایی با محیط در ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری

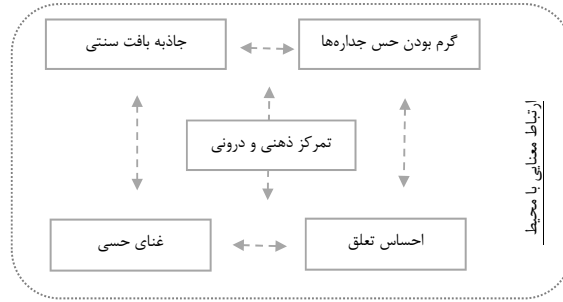
مفاهیم سطح ۱ (کد)	مفاهیم سطح ۲ (زیرمقوله)	مفاهیم سطح ۳ (مقوله)
جداره‌های سنتی جاذب	احساس آرامش از بوی مصالح سنتی	گرم بودن حس جداره‌ها
احساس خوب از وجود کاهگل	توجه به جداره هماهنگ با بافت	جاذبه بافت سنتی
فرم متناسب و همشکل خانه‌ها	پذیرش مصالح سنتی	ارتباط معنایی با محیط
توقف و ماندگاری در بافت قدیمی	ایجاد حس نوستالژیک با بافت قدیمی	غنای حسی
احساس آرامش از حضور در بافت سنتی	تأمین حس لامسه با وجود سنگفرش	تمرکز ذهنی و درونی
تأمین حس بویایی از بوی قهوه	تأمین حس بویایی از بوی گل	احساس تعلق
تأمین حس بینایی با نورپردازی	تأمین حس شنوایی با صدای ناقوس کلیسا و یا صدای اذان	
داشتن حس معنوی	داشتن هویت	
متمرکز شدن در خود و پرورش خیال	آرام بودن در فضا	
خوانده شدن از سمت فضا	احساس رضایت از تعامل دوطرفه با محیط	
داشتن مکان سوم		

۴-۱- ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی مؤثر بر ارتباط معنایی با محیط

یکی از مفاهیم مهمی که از بررسی ایجاد احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری، نمایان می‌شود، ارتباط معنایی با محیط است. این مفهوم اصلی با مفاهیم گرم بودن حس جداره‌ها، جاذبه بافت سنتی، غنای حسی، احساس تعلق و تمرکز ذهنی و درونی تبیین می‌شود.

این مفهوم بیش‌تر بیانگر چگونگی ارتباط معنایی با این عوامل و نقش آن‌ها در ایجاد حس ارزشمندی و کرامت به مشارکت‌کنندگان روشن می‌شود. شکل ۲ رابطه بین این مفاهیم را نشان می‌دهد. در ادامه هر یک از این مفاهیم به تفکیک شرح داده شده و به همراه واحدهای معنایی استخراج شده از مصاحبه‌ها ذکر شده‌اند.

شکل ۲: روابط میان مفاهیم سطح دوم شکل‌دهنده به مفهوم ارتباط معنایی با محیط



۱-۱-۴ گرم بودن حس جداره‌ها

حس صمیمیت و گرمی منتقل شونده از سمت جداره‌های دیوارهای محله برای ساکنین منتقل کننده حس آشنایی و نزدیکی به محیط است. استفاده از عنصر خاک که رنگ و بوی آن می‌تواند حس جاذبه محیطی را بالا ببرد، توانسته است بین افراد و محیط زندگی شان حس وحدت و یکی شدن را منتقل کند. این حس توانسته است در مشارکت‌کنندگان احساس آرامش ایجاد کند. «اینجا دیوارها قبلاً حالت کاه‌گلی داشته. بافت خیلی بهتری داشت. به حالت صمیمیت بیش‌تری بود. گرم بود.» (P. 10:32)

«کاه‌گل، به‌خصوص وقتی که آب بهش بپاشند. به بویی میاد که باید شعرهای سهراب سپهری را برایش خوند.» (P. 9:9)

«خوب طبیعی. می‌دونین! حالت قدیمی داره! همین‌طوری که راه می‌ری تووش احساس آرامش می‌کنی. خوب سبک‌ش سبک قدیمی. خوب کاه‌گل هست. کاه‌گل هم اصلاً خودش آرامش می‌ده. شوما یکم آب بپاش به این کاه‌گل ببین چه بو عطری می‌پیچد تو این محل.» (P. 6:2)

۲-۱-۴ جاذبه بافت سنتی

این مفهوم به اهمیت بافت سنتی پرداخته و آن‌را متشکل از مفاهیم دیگری چون فرم متناسب و هم‌شکل خانه‌ها، پذیرش مصالح سنتی که توقف و ماندگاری در بافت را ایجاد می‌کند و به افراد حس نوستالژیک می‌دهد. این ویژگی‌ها موجب ایجاد آرامش در مشارکت‌کنندگان به‌خاطر حضور در این فضا را خواهد داشت.

«مثلاً این تاق و چشمه اینجا را، آگه بری روش، جَخ سقفاش لذت می‌بری. می‌بینی اینا آجرچینی کردن خوشگل، خیلی قشنگ، خیلی زیبا.» (P. 6:9)

«و این‌که نزدیک به مرکز محله قدیمی و نزدیک به خیابون اصلی که مرکز خرید، این دوتا جایی که ارتباطشون بهم وصل شده انگار خیلی حس بهتری بهت میده. یعنی هم محله‌های قدیمی را داری و هم به خیابون اونورتر می‌تونی بیای خریدها را انجام بدی. و یا می‌تونی بیای اینجا بری کافه، یا بشینی اینجا استراحت کنی.» (P. 10:27)

«خانم ۵۰ ساله‌ای که توی مغازه سبزی فروشی بود و ساکن این محله بود احساس می‌کرد که اینجا بهش آرامش می‌ده. اون از مکان‌های قدیمی خوشش می‌ومد و می‌گفت بوی مطبوع کاه‌گل مجذوبش می‌کنه.» (O. 3:2)

۳-۱-۴ غنای حسی

این مفهوم نشان‌دهنده زمینه‌ای است که می‌تواند به حس‌های شش‌گانه آدمی پاسخ بدهد. در محیطی که این پاسخگویی وجود دارد، فرد احساس وحدت با فضای حاضر در آن را درک کرده و ارتباط درونی کاملی با محیط بیرونی خود برقرار می‌کند. به ازای هر نیاز درونی، یک پاسخ بیرونی دریافت می‌کند.

«فضای شهری هرچقدر تونست حواس پنجگانه شما را تحریک کنه و بهش جواب بده اون فرد باهاش می‌تونه همین وحدت را و ارتباط را برقرار کنه حس لامسه؛ سنگ‌فرشش. حس بویایی؛ بوی قهوه که اونجا داره، شاید گل بتونه جوابگو باشه. به خاطر این‌که مادی داره؛ حس بینایی. حس چشایی؛ که نمیشه شاید راهکارهایی باشه ولی تو محیط بیرون شاید مثلاً نمیدونم هر از گاهی این جا به چیزی بدن مردم بخورن و حس شنوایی؛ که میتونه باز حالا موزیک باشه یا هر چیزی. ششمی؛ خاطره‌انگیزی تعلقات و چیزایی که ذهنیه من فکر می‌کنم اینجا اون ذهنیه هست که کمک می‌کنه.» (P. 13:19)

«بین حالا این زنگا ناقوس کلیسای حضرت مریم! این زنگ به من آرامش میده، مثل اذان خودمونا زنگ که می‌زنند من آروم میشم.» (P. 6:4)

«چند وقت پیشا به آمریکایی اومده بود این کاهگلا را بود می‌کرد، می‌گفت آخیش، چه بوی خوبی می‌ده.» (P. 11:6)

«یک کافه بزرگ من را به خودش جذب کرد، علت آن صدای ملایم موسیقی و پیانو بود که کمی از بیرون شنیده می‌شد. همچنین صدای ناقوس کلیسا که توی محله می‌پیچه، حال محله را عوض می‌کنه.» (O. 1:13)

۴-۱-۴ تمرکز ذهنی و درونی

این مفهوم نشان‌دهنده شکل ارتباط عوامل متافیزیکی است و محیطی است که توانسته انسان را یک گام از فضای فیزیکی و شلوغ بالاتر برده و وارد بعد معنایی کند. چنین

۵. بحث و جمع‌بندی

این پژوهش با نظر به تحقیقاتی که در گذشته در حوزه مفاهیم کیفی فضای همگانی شهری پرداخته شده و با هدف ارائه الگو و مفهومی که به دستیابی به احساس کرامت انسانی در فضای همگانی شهری کمک نماید انجام شده است. مفهومی کیفی در فضایی که به عموم شهروندان تعلق داشته و دسترسی به این فضا به سهولت امکان‌پذیر است. فضایی که می‌تواند فرصت تعاملات اجتماعی را افزایش داده (مدنی‌پور، ۱۳۸۷) و موجب بهبود کیفیت زندگی فرد و جامعه شود (Carmona, 1997). بنابراین در این پژوهش تلاش شده است با تکیه بر تفسیر داده‌های متنی مصاحبه‌های عمیق و نیز مشاهدات میدانی و با تأکید بر کنش و تعامل با مورد پژوهش و حداقل جدایی عینی با مشارکت‌کنندگان پژوهش، تصویری از ادراک مردم نسبت به مفهوم کرامت انسانی ترسیم شود. یافته‌های این پژوهش بیانگر مفهوم ارتباط معنایی با محیط است. در پژوهش‌های پیشین این مفهوم غالباً به بررسی ارتباط معنایی با مکان با نگاه پدیدارشناسانه پرداخته شده است که مکان را چیزی بیش از یک محل انتزاعی و مجموعه‌ای از کاراکترهای محیطی که تعیین‌کننده ماهیت آن می‌باشند تعریف می‌کند (Norberg Schulz, 1975, p. 431) ماهیتی که بر اساس نوعی آگاهی و ادراک قرار دارد و مکان‌ها را مراکز پرمحتوا و عمیق از هستی و وجود بشری معرفی می‌کند (Relph, 1976). برخی نگاه‌ها نیز مفهوم ارتباط معنایی با محیط را به سمت مفهوم حس مکان هدایت کرده‌اند، به طوری که راپاپورت (۱۹۹۰) مفهوم حس مکان را به معنای حقیقت و ماهیت مکان معرفی می‌کند و به اهمیت معنایی و پیام‌های موجود در مکان اشاره می‌کند. معناهایی که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل به رمزگشایی و درک آن‌ها می‌پردازند (Ra-paport, 1990, p. 23). بررسی‌های الکساندر (۱۹۷۷) و پالاسما (۲۰۰۵) به این مهم منجر شد که معنای یک محیط کاملاً با نحوه تأثیرگذاری آن بر افراد وابسته است. که این مطالعات بیشتر با نگاه روانشناسی محیطی به عاملی به نام مکان و معنای آن پرداخته شده است. آنچه که در اغلب این پژوهش‌ها مورد توجه نبوده است نگاهی است که توجه خود را معطوف به مفهوم ارتباط معنایی با محیط در ایجاد احساس کرامت در افراد داشته است. در این پژوهش یکی از چند مفهوم اصلی استخراج شده از معنی کرامت انسانی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان را، مفهوم ارتباط معنایی در فضای همگانی شهری تعبیر کرده است. این مفهوم معنی متفاوت‌تری با آنچه که در مطالعات بیان شده را منتقل می‌کند. مفهومی که گوستافسون (Gus-son, 2001) در آن دقیق‌تر شده و چگونگی شکل‌گیری آن را رویکردی تعاملی مابین فرد، محیط و دیگران به عنوان مدل شکل‌گیری معنا معرفی می‌کند. او در شناسایی انگیزش‌های لازم برای حصول ارتباط معنایی با محیط به

فضایی این استعداد را دارد که فرد حاضر در آن را به خود درونی‌اش نزدیک‌تر کند و او را وارد عالم خیال کند. چنین محیطی به تمرکز ذهنی ایجاد شده به فرد کمک شایانی می‌کند.

«ما خیلی معتقدیم که این (خیال) بعد خدایی است. این حالت را گاهی در خواب در آن قرار می‌گیریم و گاهی در مکانی که شما را به یک خواب نزدیک می‌کند، توی این فضا هستیم. این فضای با کرامت شماسست. رضایت فضایی برای شما حاصل می‌کند.» (P. 3:28)

«در ساعاتی که این میدان خلوت بود به راحتی می‌توان مشاهده کرد که محیط آن انسان را به درون خود می‌برد و او را متمرکز در حال خود می‌کند. حالی که به سمت خیال و رویا رفته و انسان را زندگی شلوغ روزمره فاصله دور می‌کند.» (O. 3:3)

«این Imagination خیلی مهم یعنی منشأ همه خلاقیت‌هاست، همه کرامت‌ها، همه هرآنچه که انرژی مثبت به شما می‌دهد، این عالم خیال است. که در واقع شما را رضایت به وجودتون می‌ده در حالی که دور می‌کند نکات منفی را از شما که یک پا در تفکر دارد که کاملاً متافیزیکی است و یک پا در فیزیک دارد که کاملاً ساختاری و کالبدی است.» (P. 3:26)

۴-۱-۵- احساس تعلق

یکی دیگر از مفاهیمی که دریافت شد، احساس تعلق به محیط بود. این مفهوم شامل مفاهیمی است که احساس خواننده شدن از سمت فضا به فرد القاء می‌شود و موجب می‌شود فرد در این فضا احساس آرامش داشته باشد. محیط آن را از خود بداند و به سمتی پیش می‌رود که آن را به عنوان یک مکان سوم که فارق از خانه و شغل است بپذیرد. این فضایی است که فرد به سمت احساس تعلق در آن می‌رود.

«یه جایی هست که فضا شما را به سمت خودش می‌خونه با هر فرهنگ، با هر اقتصاد، با هر نوع ویژگی‌هایی که هست. یعنی احترام می‌گذارد به وجود شما، نه به پول توی جیب شما، نه به جایگاه اجتماعی شما. شما را که همانطور که هستین می‌پذیره، این همون فضایی که من می‌گم فضای دارای کرامت.» (P. 3:16)

«خوب الان اینها بازنشسته‌اند، می‌اند می‌شینند اینجا. از خیلی محله‌های دیگه می‌آیند اینجا می‌روند کافی شاپی، پیتزایی چیزی. می‌گردند اینجا. فقط گذروندن وقت.» (P. 11:1)

«توی فضاهای همگانی شهری معمولاً افراد جمع می‌شوند که مثلاً ببینند که دیده بشند، بشنوند که شنیده شوند، بفهمند که فهمیده بشند. اینا آگه یه بعدش باشه، فضا از اون کارکردش و طراوت‌های انسانی و منزلت و شأن اون هست خارج میشه. در واقع این رابطه دیده شدن، دو طرفه هست.» (P. 5:20)

مشارکت‌کنندگان به عامل تمرکز ذهنی و درونی به‌عنوان عاملی مهم در ایجاد ارتباط معنایی با محیط در فضای همگانی را اشاره دارد. مفهومی که به همراه سایر مفاهیمی چون غنای حسی، احساس تعلق، گرم بودن حس جداره‌ها و جاذبه بافت سنتی، عواملی هستند که موجب ایجاد احساس کرامت انسانی و ارزشمند بودن در مخاطب می‌شوند. کسب ارتباط معنایی با محیط، دغدغه‌ای است که که فرد در این‌گونه فضاها به آن توجه و نیاز دارد. آنچه از داده‌های این مقاله استخراج شد معرفی این مهم است که مهیا کردن شرایط عامل ارتباط معنایی با محیط در فضای همگانی شهری موجب کسب احساس ارزشمند بودن در فرد می‌شود و آن از اهداف اصلی این مقاله بوده است.

در واقع معنای محیطی و ارتباطی که از آن با مخاطب حاصل می‌شود می‌تواند نتیجه‌ای دیگر حاصل نماید و آن ایجاد احساس کرامت انسانی در افراد است. یکی از پاسخ‌هایی که مشارکت‌کنندگان به چگونگی ایجاد احساس کرامت انسانی در خود اشاره می‌کردند؛ وجود فضایی است که بتوانند در آن با محیط ارتباط معنایی داشته باشند. این فضا می‌تواند در ایجاد احساس کرامت انسانی اثرگذار باشد. در واقع حصول مفهوم کرامت انسانی در نتیجه وجود مفهوم ارتباط معنایی با محیط است و می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کیفیت فضاهای همگانی شهری داشته باشد. نتایج این مقاله بیانگر آن است که کرامت انسانی یک فرآیند تعاملی است. بنابراین شناخت این فرآیند از طریق به‌کارگیری روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد.

سه نوع محرک اصلی توجه دارد که شامل: محرک‌های مشترک جمعی به منظور ارتقای کیفی محیط عمومی و تسهیم احساسات خوب محیطی، محرک‌های مبتنی بر علاقه شخصی و به ویژه در ارتباط با بهبود جایگاه فردی در محیط اجتماعی و سیاسی و در نهایت محرک‌های رقابت کاری و حرفه‌ای که فارغ از دو مورد قبل است (Gus- tafson & Hertting, 2016) می‌باشد. به همین شکل این مفاهیم نیز در مطالعه حاضر استخراج شد، بدین صورت که ذهن مشارکت‌کنندگان به عامل تمرکز ذهنی و درونی به‌عنوان عاملی مهم در ایجاد ارتباط معنایی با محیط در فضای همگانی را اشاره دارد. مفهومی که به همراه سایر مفاهیمی چون غنای حسی، احساس تعلق، گرم بودن حس جداره‌ها و جاذبه بافت سنتی، عواملی هستند که موجب ایجاد احساس کرامت انسانی و ارزشمند بودن در مخاطب می‌شود. کسب ارتباط معنایی با محیط، دغدغه‌ای است که که فرد در این‌گونه فضاها به آن توجه و نیاز دارد. آنچه از داده‌های این پژوهش استخراج شد معرفی این مهم است که مهیا کردن شرایط عامل ارتباط معنایی با محیط در فضای همگانی شهری موجب کسب احساس ارزشمند بودن در فرد می‌شود و آن از اهداف اصلی این پژوهش بوده است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله یکی از چند مفهوم اصلی استخراج شده از معنی کرامت انسانی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان راه، مفهوم ارتباط معنایی در فضای همگانی شهری تعبیر کرده است. این مفهوم معنی متفاوت‌تری با آنچه که در مطالعات بیان شده را منتقل می‌کند. بدین صورت که ذهن

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر و اسدی، مهدی. (۱۳۹۲). کرامت انسانی در قرآن کریم و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳(۱)، ۲۹-۴۸. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=217633>
- رضایی، حسین؛ کرامتی، غزال؛ دهباشی شریف، مزین؛ و نصیرسلامی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تبیین الگوواره‌ای فرآیند روان‌شناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک. باغ نظر، ۱۵(۶۵)، ۴۹-۶۶. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=371678>
- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر، ۵(۸)، ۲۷-۳۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=156042>
- عمیدزنجانی، عباسعلی و توکلی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۷(۴)، ۱۶۱-۱۸۹. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=73115>
- لینچ، کوین. (۱۳۹۰). تئوری شکل شهر. ترجمه حسین بحرینی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
- Altman, I., & Low, S. (1992), Human Behavior and Environments: Advances in Theory and Research. (12). Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Canter, D. (1977). The Psychology of Place. London: Architectural Press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Drisko, J.W., & Maschi, T. (2016). Content Analysis. New York: Oxford University Press.
- Gustafson, P. (2001). Meanings of Place: Everyday Experience and Theoretical Conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 16-5. <https://doi.org/10.1006/jevp.2000.0185>
- Gustafson, P., & Hertting, N. (2016). Understanding Participatory Governance: An Analysis of Participants' motives for Participation. *American Review of Public Administration*: 1-17.
- Lynch, K. (1981). A Theory of Good City Form. Mit Press.
- Manzo, L.C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 86-67. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2005.01.002>
- Maslow, A.H. (1954). Motivation and Personality. New York: Harper & Row.
- Norberg Schulz, C. (1975). Meaning in Western Architecture, Rizzoli, New York.
- Punter, J., & Carmona, M. (1997). Design Policies in Local Plans: Recommendations for Good Practice. *The Town Planning Review*, 68(2), 165-193. Retrieved July 13, 2021, from <http://www.jstor.org/stable/40113816>
- Rapaport, A. (1990). The Meaning of the Built Environment : A Nonverbal Communication Approach, University of Arizona Press.
- Rapaport, A. (1982). The Meaning of the Built Environment. Tucson: University of Arizona Press.
- Relph, E. (1976). Place and Placelessness, Pion, London.
- Schwandt, T.A. (2007). The SAGE Dictionary of Qualitative Inquiry (3th edition). Thousand Oaks CA: SAGE.
- Stedman, R.C. (2003). Is it Really Just a Social Construction: The Contribution of the Physical Environment to Sense of Place. *Society and Natural Resources*, 16(8), 685-671. <https://doi.org/10.1080/08941920309189>
- Tuan, Y.F. (1977). Space and Place: The Perspective of Experience. London: Edward Arnold.

نحوه ارجاع به این مقاله

سبک خیز، مریم؛ شیعه، اسماعیل؛ خانکه، حمیدرضا و مطوف، شریف. (۱۴۰۰). نقش مفهوم ارتباط معنایی با محیط بر ایجاد احساس کرامت انسانی از نظر مخاطبان فضای همگانی شهری. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۴(۳۵)، ۲۷۵-۲۸۳.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.208912.2046

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_135872.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



